

رهبر انقلاب در آستانه برگزاری انتخابات:

قهر با صندوق رای مشکلی را حل نمی‌کند

ادامه از صفحه یک حضرت آیت الله خامنه‌ای در بیان چند نکته مهم انتخاباتی گفتند: مهمترین نکته این است که حضور مردم در انتخابات پشتوانه مردمی نظام را نشان می‌دهد و این پشتوانه مردمی، در اقتدار واقعی نظام و ایران، تأثیری بی‌نظیر دارد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با انتقاد از برخی سفسطه‌گویی‌ها درباره انتخابات در فضای مجازی و مطبوعات گفتند: این افراد در واقع همچون دشمنان ملت دنبال کاهش مشارکت مردم، تضعیف نظام و طبعاً تضعیف ایران هستند که در این صورت ایران با دخالت‌های بیگانگان دچار ناامنی می‌شود و به جولانگاه تروریست‌ها تبدیل خواهد شد. نکته دیگری که رهبر انقلاب به تبیین آن پرداختند رابطه معکوس کاهش حضور مردم و افزایش فشارهای دشمن بود. ایشان گفتند: بر اساس این واقعیت اگر بخواهیم فشارهای اقتصادی دشمنان یعنی تحریم و دیگر فشارها کاهش یابد و رفع شود، باید حضور در انتخابات افزایش یابد و پشتوانه مردمی نظام به رخ دشمنان کشیده شود.

رهبر انقلاب همچنین با اشاره به تأثیر حضور بیشتر ملت در افزایش قدرت و کارایی رئیس‌جمهور آینده گفتند: در کشور امکانات و فرصت‌های زیادی وجود دارد که استفاده از آنها به آدم‌های پرکار، خستگی‌ناپذیر و قدرتمند نیاز دارد که این قدرتمندی از حضور و رأی بالای مردم نشأت می‌گیرد و به رئیس‌جمهور آینده برای کاهش مشکلات توان بیشتری می‌دهد. حضرت آیت الله خامنه‌ای در ادامه با اشاره به تأکید همیشگی بر مسئله «سلامت انتخابات» گفتند: در جمهوری اسلامی انتخابات همیشه سالم بوده و اینکه رؤسای جمهوری بعضاً با سلیق سیاسی کاملاً متفاوت از یکدیگر بر سر کار آمده‌اند نشان‌دهنده انتخابات سالم در همه این سالها است. رهبر انقلاب، «رقابتی بودن» را از دیگر حقایق مسلم انتخابات در ایران خواندند و افزودند: در این انتخابات و در مناظره‌ها نیز نامزدها با معارضات فکری و زبانی خود رقابتی بودن انتخابات را کاملاً نشان دادند که هر کدام هم طرفداران خود را دارند. البته درباره محتوای مناظره‌ها بعد از انتخابات نکاتی بیان خواهد کرد. ایشان با اشاره به سیاست ثابت دشمن از اول انقلاب تا به امروز در زیر سؤال بردن آراء مردم خاطر نشان کردند: جالب اینجاست بعضی از کشورها که در میانه قرن ۲۱ هنوز به شکل قبیله‌ای اداره می‌شوند بوی انتخابات هم به آنها نرسیده به طوری که مردمشان فرق صندوق رای و صندوق میوه را نمی‌دانند، تلویزیون ۲۴ ساعته راه می‌اندازند و مدعی هستند انتخابات ایران دموکراتیک نیست.

رهبر انقلاب در ادامه به اظهار تردید برخی از قشرهای ضعیف و محروم جامعه برای شرکت در انتخابات اشاره کردند و گفتند: این قشرها توقعات و گلايه‌های بجایی دارند که عمده آنها در مورد معیشت، مسکن و اشتغال است و مسئولان کشور باید واقعاً به این مسائل رسیدگی می‌کردند و انتظار این است که دولت آینده در رأس برنامه‌های خود به این مسائل رسیدگی کند. حضرت آیت الله خامنه‌ای با انتقاد از برخی افراد به علت گلايه‌های بجا، دست و دلشان به انتخابات نمی‌رود اما بحث اصلی این است که نرفتن پای صندوق رای و قهر کردن با آن، مشکل را حل نمی‌کند. مشکل هنگامی حل خواهد شد که اولاً همه پای صندوق رای برود و ثانیاً به فردی رأی بدهند که توانایی حل این مشکلات را داشته باشد. ایشان تأکید کردند: بنابراین گلايه‌ها و توقعات این قشر از مردم بجا و صحیح است اما نتیجه‌گیری آنها صحیح نیست و همه باید در انتخابات حضور یابند. رهبر انقلاب در ادامه با اشاره به نقش پیشرو جوانان در مسائل اصلی کشور، افزودند: من به جوانان اعتقاد زیادی دارم و انتظار دارم که آنها در انتخابات نیز با ایفای نقش پیشران، ضمن حضور در پای صندوق رای، مردم را به شرکت در انتخابات ترغیب کنند. همچنین حضور رأی اولی‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد و مانند جشن تکلیف سیاسی است. حضرت آیت الله خامنه‌ای با انتقاد از برخی تحلیل‌های غلط و ضعیف در داخل که نتیجه آن دمیدن روح ناامیدی در مردم است، گفتند: ایجاد آس و ناامیدی در کشور مطلقاً جایگاهی ندارد زیرا کشور و ملت ما قدرتمند و دارای بنیه‌ای قوی است. ایشان توانایی‌ها و امکانات کشور را فراوان دانستند و افزودند: هر گاه از این توانایی‌ها استفاده شده، کارهای بزرگی انجام گرفته است همچون اصل پیروزی انقلاب و یا ایستادگی ملت ایران در دفاع مقدس و نمونه آخر آن هم تولید واکسن ایرانی کرونا است. ایشان خاطر نشان کردند: جوانان ما منتظر واکسن برخی کشورهای بخیل خارجی نماندند و امروز به همت جوانان جزوش کشور تولیدکننده واکسن کرونا در دنیا قرار گرفته‌ایم.

رهبر انقلاب به موارد دیگری در گذشته از جمله تولید رادیو دارو با وجود کارشکنی غربی‌ها نیز اشاره کردند و افزودند: در چند سال قبل که با وجود وعده و وعیده‌ها، رادیو دارو به ما داده نشد، جوانان ما همت کردند و ظرف چند ماه به غنی‌سازی ۲۰ درصد اورانیوم دست یافتند و اکنون نیز اورانیوم غنی شده ۶۰ درصد تولید می‌شود که همه برای مقاصد صلح‌آمیز است. حضرت آیت الله خامنه‌ای همچنین با اشاره به توانایی‌ها و تجهیزات دفاعی کشور، تأکید کردند: بنابراین ما یوس کردن ملت ایران با چنین توانایی‌ها و بنیه قوی کاری غلط و نشدنی است.

ایشان در ادامه ضمن خداقوت گفتن به دست‌اندرکاران انتخابات، چند توصیه به آنها کردند. رهبر انقلاب تأکید کردند: تمهیدات لازم برای حفظ سلامت مردم به‌نگام حضور در پای صندوق‌های رأی باید در نظر گرفته شود. همچنین موضوع کمبود تعرفه یا تأخیر در رسیدن آن که یکی از مشکلات دوره‌های قبل در انتخابات است باید برطرف شود.

ایشان همچنین با اشاره به برخی گزارش‌ها مبنی بر مهیا نشدن آمادگی‌های لازم برای برگزاری انتخابات در خارج از کشور افزودند: وزارت‌های امور خارجه و کشور با توجه به کمبود وقت آمادگی‌های لازم را هر چه سریع‌تر فراهم کنند. حضرت آیت الله خامنه‌ای همچنین از مسئولان برگزاری انتخابات خواستند با هر تخلفی در انتخابات برخورد کنند. ایشان در پایان از خداوند متعال خواستند که دلها را به آنچه صلاح کشور و ملت است، هدایت فرماید.



محروم حتی از رأی!

روز انتخابات است اما هنوز کسانی در کشور ما زندگی می‌کنند که نمی‌توانند رأی بدهند چون شناسنامه ندارند



**پدران هراس سربازی رفتن
پسرها را داشتند برای همین
نسل‌ها محکوم شدن به
بی‌شناسنامه بودن. «ما عشایر
بودیم. عشایر همین‌جا. پدرها
ترسیدند و شناسنامه نگرفتند
حالا ما بیچاره شدیم.»**



ارث می‌رسد از همان چهل سال پیش تا همین امروز. «صاحبان همین خانه‌های گلی هم معلوم نیست کجا هستند.» بی‌شناسنامه که باشی یعنی نه صاحب خانه می‌شوی نه زمینی به نام تو جوانه می‌زند. «من یک بار رأی دادم.» خاطره رأی دادن ظاهر برمی‌گردد به پنج سال پیش شاید هم کمی بیشتر. در «دوست محمد» میهمان عروسی بود. «عروسم نبود به جای او رأی دادم.»

حرف از مدرک و شناسنامه که می‌شود می‌گویند پرونده‌های هستیم. «ما مالدار بودیم جزو ایرانی‌ها هستیم.» پای حرف هر کدام که می‌نشینید از پرونده‌های بودنشان می‌گویند از اینکه کودکان‌شان با کارت واکسن محکوم‌اند به خواند درس فقط شش کلاس.

شناسنامه داشتیم حتما رأی می‌دادیم
پدران هراس سربازی رفتن پسرها را داشتند برای همین نسل‌ها محکوم شدن به بی‌شناسنامه بودن. «ما عشایر بودیم و عشایر همین‌جا. پدرها ترسیدند و شناسنامه نگرفتند حالا ما بیچاره شدیم.» چون بلندقامت است و چهارشانه. درد بر چهره‌اش نشسته است. سال‌هاست دیالیز‌مانش را بریده است؛ هم دردش هم دردسر مخارجش. نسل به نسل بی‌شناسنامه است. به گفته مولایشان سرسفره عقد نشسته و حالا پدر ۹ فرزند است. «ازدواج‌مان مولایی بود.» دخترها و پسرها هم مولایی ازدواج می‌کنند تا نسل‌های بعدی هم بی‌شناسنامه بمانند. «هیچ وقت رأی نداده‌ام. از کجا باید رأی می‌دادم؟»

مدرک که نداشته باشی نه خانه‌ای به نامت می‌شود و نه زمینی کودکانت هم محروم می‌شوند از خواندن و نوشتن. مدرک که نداشته باشی حتی رأی دادن

سیلی که اهالی را کوچ داده به بیرون روستا. «دورتر از اینجا چادر زدیم.» منتظر ماندند تا سیل به خورد زمین برود و برگردند به روستا. «اینجا که خشک شد، برگشتیم.» همان گل‌ها شدند دیوار و سقفی برای اهالی که نام‌شان هیچ کجا ثبت نشده است. «زمان رأی‌گیری خیلی ناراحت می‌شویم.»

بی‌شناسنامه یک بار رأی دادم
لباس مادرانش را به تن دارد؛ پیراهنی که به رنگ طلایی طعنه می‌زند و شلواری به همان رنگ. چادر رنگ و رو رفته مشکی هم شانه‌های استخوانی‌اش را در آغوش گرفته است. چهل بهار به چشم دیده و مادر چهار کودک است اما هنوز خجالتی است. «طاهره» و اهالی خانه‌اش بی‌شناسنامه‌اند؛ مثل تمام هم‌ولایتی‌هایش. می‌گوید از زمانی که به یاد دارد ایرانی است و ساکن همین روستا. مرد خانه‌اش هم در همین روستا قد کشیده و لباس دامادی به تن کرده است. «چند روز یک بار می‌آید به خانه. می‌رود برای کارگری جای دیگری.»

پشت لب پسرها که سبز می‌شود هم‌پای مردها می‌روند سمت زابل برای کارگری. بی‌شناسنامه بودن هم نسل به نسل به



لیلا مهداد تا چشم کار می‌کند خشت و گل است. خبری از سبزی و آبادی نیست. خانه‌ها خلاصه شده‌اند در اتاق‌های سه شاید هم چهارمتری. خانه‌هایی خالی از فرش و زبلو و حتی پنجره‌ای که باز شود به روی خورشید. زنان و دختران تنها رنگ و لعاب این روستا را با لباس‌های زرد و نارنجی، سبزه و بنفش و چادرهای محلی گذارند. هر چند همین رنگ و لعاب‌ها هم رنگ و بوی کهنگی به خود گرفته‌اند. اینجا نام‌ها هیچ کجا نوشته نمی‌شوند. فرقی ندارد «زهره» صدايت کنند یا «محمد» باشی، نشانی از اسم و رسمت در جایی نیست. می‌گویند پرونده‌های هستیم به تعبیری بی‌شناسنامه. عشایر بودند، خانه به‌دوشانی دلخوش به دام. از همان سال‌های دور پدران تصمیم گرفتند بر یکجانشینی. چادرها رفتند و جایشان را خانه‌های گلی استیجاری گرفتند. نه خبری از دام شد نه زمین کشاورزی که دست و دلبازی کند برای رزق و روزی اهالی خانه.

از آن روزها چهل شاید هم بیشتری گذرد. خانه‌های گلی پابرجا مانده‌اند؛ اما اهالی ناامیدند از به رسمیت شناخته شدن. اینجا محرومیت حرف اول را می‌زند؛ حتی محرومیت از ایستادن پای صندوق رای.

از همه چیز محرومیم
«ما از همه چیز محروم‌ایم؛ حتی رأی دادن.» سراپا سفید پوشیده به رسم پدران و پدربزرگ‌هایش. مردی میان‌قامت، تکیه داده بر خانه گلی‌اش. سقف کوتاه خانه گلی پناه اوست ۱۰ فرزندش. کوچ را خیلی به خاطر ندارد. خاطره‌هی‌هی گوسفندان و علم‌کردن چادرها را. از وقتی به یادش هست، همین حوالی میان دیوارهای گلی قد کشیده است. کودکی و جوانی کرده و پدر شده است. مردی پنجاه و یک ساله که حسرت مدرسه رفتن، زمین کشاورزی داشتن و راه انداختن گله گوسفند را هنوز به دل دارد. «چهل سال بیشتر است تقاضای شناسنامه داریم اما فقط امروز و فردا شده است.»

چادر نشین بودند، پشت نیزارهایی که روزگاری کمی دورتر از خانه‌های گلی امروزی‌شان قدونیم‌قد سر به آسمان برداشته بودند. «دوست داشتیم شناسنامه داشتیم و به جمهوری اسلامی رأی می‌دادیم.» در ۵۰ بهاری که به خود دیده روستای گلی‌شان را دو بار سیل برده است؛